

فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی

سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۰

صفحات ۷۷-۹۲

تغییر جنسیت و بررسی فقهی آن^۱

دکتر کیومرث کلانتری *

نصیبه ابراهیمی **

چکیده:

با پیشرفت علم و فناوری مسائل جدیدی به وجود آمده که همواره مورد بحث و بررسی کارشناسان می‌باشد. یکی از این مسائل که مورد توجه پزشکان و حقوقدانان قرار گرفت، وجود افراد ترانس سکسوال (transsexual) است. اینها افرادی هستند که از نظر جسمی دارای اندام‌های جنسی سالم ولی از نظر روحی دارای مشکل می‌باشند؛ به این معنی که از لحاظ روحی و روانی نمی‌توانند جنسیت خودشان را قبول کنند، مردانی که دنبال زندگی زنانه هستند و زنانی که می‌خواهند مثل مردان زندگی کنند. ترانس سکسوالیسم یک بیماری روانی است که در نهایت منجر به تغییر جنسیت می‌شود. تغییر جنسیت ترانس سکسوالها دارای اثراتی می‌باشد. به همین دلیل این بیماری، تغییر جنسیت و عواقب و اثرات آن مورد بررسی فقها، حقوقدانان و پزشکان قرار گرفته است. در این مقاله ضمن بررسی تغییر جنسیت و مباحث فقهی مربوط آن، به مسائلی از این دست پرداخته می‌شود. این که ترانس سکسوالیسم چیست؟ آیا امکان تغییر جنسیت وجود دارد؟ آیا تغییر جنسیت از نظر فقها امری جایز است یا خیر؟

کلیدواژه: ترانس سکسوالیسم، تغییر جنسیت، ممنوعیت مطلق، مشروعیت مطلق، مشروعیت مشروط.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۸

* استادیار دانشگاه مازندران - kalantar@nit.ac.ir

** دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه مازندران

مقدمه

امروزه بررسی مسأله «تغییر جنسیت» نه تنها از منظر پزشکی، بلکه به لحاظ مباحث فقهی و حقوقی نیز حائز اهمیت است. آنچه که موضوع تغییر جنسیت را از جایگاه ویژه‌ای برخوردار نمود، امکان تغییر جنسیت افراد ترانس سکسوال می‌باشد؛ زیرا که این افراد هیچ مشکل جسمی نداشته و دارای اندام جنسی متناسب با جنسیت خویش می‌باشند ولی از لحاظ روانی دچار مشکل هستند؛ یعنی اینکه جنسیت فیزیولوژیک خود را قبول نمی‌کنند به همین علت مورد جراحی تغییر جنسیت قرار می‌گیرند، درحالیکه تغییر جنسیت افراد خنثی از گذشته وجود داشته است و موضوع جدیدی نیست.

ترانس سکسوال‌ها و والدین آنها، گناهکار و مشمول کیفر الهی نیستند، به طوری که نقایص هورمونی یا اختلالات جسمی و روحی سرنوشت آنها بوده است. همانگونه که برخی با بیماری دیابت، ناشنوایی و یا نابینایی دنیا می‌آیند و مورد درمان و توجه قرار می‌گیرند، ترانس سکسوال‌ها نیز باید مورد توجه و معالجه قرار گیرند. بنابراین با توجه به اینکه موضوع تغییر جنسیت دارای ابعاد گسترده‌ای از نظر پزشکی، فقهی، حقوقی و غیره است، برای درک بهتر موضوع، باید ابعاد مختلف آن، مورد توجه قرار گیرد تا به افراد مبتلا به این اختلال کمک شود. یکی از این ابعاد مهم مسأله جواز یا حرمت تغییر جنسیت است به همین دلیل در این مقاله ابتدا به بررسی بیماری ترانس سکسوالیسم و سپس به بررسی نظرات فقها در مورد جواز یا ممنوعیت این عمل پرداخته می‌شود.

تعریف ترانس سکسوالیسم

گاهی اوقات مردانی دیده می‌شوند که حرکات و رفتار زنانه از خود نشان می‌دهند و زانی مشاهده می‌شوند که دارای حرکات و رفتار مردانه هستند. اینها افرادی بیمار بوده که به یک اختلال روانی به نام اختلال هویت جنسی مبتلا می‌باشند.

ترانس سکسوالیسم یک نوع اختلال هویت جنسی است، که در طبقه بندی بیماری‌های روانی قرار دارد، به طوری که در این اختلال فرد از ساخت جنسی خود ناراضی است و آرزوی پیوستن به گروه جنس مخالف را دارد، درحالیکه هیچ مشکل جسمی ندارد و دارای جنسیت

مشخص و معین می‌باشد ولی از لحاظ روحی، جنسیت خود را قبول ندارد و از جنسیت خود ناراضی است. به همین دلیل تمام سعی و تلاش خود را می‌کند تا به آرزوی خود یعنی تبدیل به جنس مقابل برسد. «این ناراضیان جنسی به گفته خودشان، حتی در دوران کودکی هم احساس می‌کردند در بدن اشتباهی جای گرفتند. این افراد با وجود این که می‌دانند به گروه جنس موافق خود تعلق دارند ولی خود را دارای تفاوت‌های محسوس با آنان حس می‌کنند. بیشتر آنان پیش از بلوغ، از وضعیت جنسیتی خود متنفرند و آرزوی اصلی آنان پیوستن به گروه جنس مخالف است و این اشتغال خاطر دائمی کلیه فعالیت‌های آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و محور اصلی جهان‌بینی آنان می‌شود.» (مهرابی، بررسی برخی از ویژگی‌های تبدیل خواهی، ۷)

ترانس سکسوال‌ها، بدلیل این که جنسیت فیزیولوژیکی خود را قبول ندارند، مطابق جنسیت و الگوی رفتاری که از آنها انتظار می‌رود رفتار نمی‌کنند؛ در صورتی که در حالت معمولی، افراد مطابق جنسیت بیولوژیکی خویش به هویت جنسی می‌رسند، یعنی در مردان، بیولوژیکی هویت جنسی مردانه و در زنان بیولوژیکی هویت جنسی زنانه به وجود می‌آید. اما در ترانس سکسوال‌ها این دو با هم هماهنگ نیست، یعنی هویت جنسی فرد با جنسیت بیولوژیکی وی تفاوت دارد، در نتیجه رفتاری نامتناسب با جنسیت از خود بروز می‌دهد. بنابراین گرچه مذکر و مؤنث بودن واقعی بیولوژیکی است ولی پذیرش یا عدم پذیرش خود به عنوان مذکر یا مؤنث، موضوعی روانی است که به وسیله آنچه کودک درباره خویش به عنوان مرد یا زن احساس می‌کند، تعیین می‌گردد.

در نتیجه باید گفت که ترانس سکسوالیسم حالت کسی است که دارای جنسیت مشخص و معین است و از نظر جسمی هیچ مشکلی ندارد، لیکن مشکل وی روحی است یعنی این که جنسیت خود را قبول ندارد و خود را متعلق به جنس مخالف می‌داند به همین دلیل، رفتارش را با رفتار جنس مطلوب خود مطابقت می‌دهد و سعی می‌کند که جسم خود را نیز به شکل جنس مطلوب درآورد.

علت ترانس سکسوالیسم

در مورد علت ترانس سکسوالیسم، نظریه‌های مختلفی بیان شده است. اما تاکنون علت آن به‌طور



قطع و یقین مشخص نگردید. یکی از نظریه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، تأثیر هورمونی است. یعنی اینکه طلاق، مرگ یکی از اعضای خانواده، تصادفات و یا به‌طور کلی حوادث ناگواری که برای زن باردار استرس ایجاد می‌کند، باعث ترشح هورمون و تغییر محیط رحم می‌شود که در نتیجه بر روی نحوه رشد مغز جنین تأثیر می‌گذارد. به‌طوریکه ترشح زیاد تستوسترون^۱ در دوران بارداری در مغز جنین دختر، هسته اولیه مردانگی را به وجود می‌آورد و در صورت کاهش آن در جنین پسر، وی به سمت دختر بودن گرایش پیدا می‌کند. (طیرانی، اختلال هویت جنسی از دیدگاه صاحب نظران، ۴)

یا اینکه برخی از محققان نظریه روانی - اجتماعی را مطرح کرده‌اند. بر طبق این نظریه، کسب هویت جنسی متناسب با جنسیت بیولوژیکی، بیشتر تابع حوادث بعد از تولد و تعامل بین کودک و ارزش‌ها و نگرش‌های والدین است. زیرا پس از مشخص شدن جنسیت کودک، والدین و اطرافیان کودک مطابق جنسیت کودک با وی رفتار می‌کنند و مطابق جنسیت کودک، رفتاری متناسب از وی انتظار دارند، به‌طوری که این نقش‌ها و انتظارات کم کم در ذهن کودک نهادینه و به الگو تبدیل می‌شود به همین دلیل هنگامی که کودک رفتاری نامتناسب و مخالف جنسیت از خود بروز می‌دهد و والدین وی نه تنها کودک را تنبیه نکرده، بلکه او را مورد تشویق نیز قرار می‌دهند. این تقویت والدین در ذهن کودک نهادینه شده و در نتیجه منجر به شکل‌گیری رفتارهای غیرطبیعی و نامتناسب جنسی در وی می‌شود. بنابراین خانواده در رشد هویت جنسی کودک نقش مهمی ایفا می‌کند به‌طوری که حتی غیبت فیزیکی یا روانشناختی پدر یا تسلط مادر در خانواده برای فرزند پسر موجب اختلال‌های متفاوتی می‌شود. زیرا زمانی فرد رفتاری متناسب با جنسیت بروز می‌دهد که همانندسازی صحیح در طول زندگی با همجنسان انجام داده باشد تا بتواند رفتار متعارف جنسی در زندگی فردی و اجتماعی ایفا کند؛ درحالی‌که با فقدان ارتباط بین پدر و پسر، پسرها رفتارهای متناسب با جنسیت خود را فرا نمی‌گیرند و در نتیجه رفتارهای غیرمردانه پیدا می‌کنند. همچنین کارشناسان نیز معتقدند که گرچه جنسیت بینابین، بیماری مادرزادی است که با فرد زاده

۱- تستوسترون هورمونی است که تکامل اعضای تناسلی مردانه را کنترل کرده و نیز موجب ظهور ویژگی‌های مردانه معینی مانند تغییراتی در شکل بدن، رشد مو در صورت و بدن، بم شدن صدا در زمان بلوغ می‌شود. (طیرانی، ۴)

می‌شود؛ اما در پاره‌ای از موارد هم خانواده‌ها در ایجاد اختلال هویت جنسی در فرزندانشان نقش دارند و این مسأله به‌خصوص در خانواده‌هایی صدق می‌کند که فرزندانشان را متناسب با جنسیت‌شان تربیت نمی‌کنند. (یوشی زاده، سرگردان روی مرز جنسیت، ۵)

بنابراین گرچه تغییرات محیط رحم و حوادث قبل از تولد به عنوان علت به‌وجود آمدن این اختلال معرفی گردید، اما به نظر می‌رسد که والدین و حوادث پس از تولد علت اصلی و مهم در شکل‌گیری این اختلال می‌باشد؛ زیرا که اگر والدین با کودکی که هنوز به هویت جنسی نرسیده است، درست و متناسب با جنسیتش برخورد کنند و به کودکانشان کمک کنند تا به یک هویت جنسی متناسب با جنسیت برسند، تا حد زیادی از به‌وجود آمدن این اختلال جلوگیری می‌شود. به همین دلیل برخوردی نامتناسب با جنسیت کودک و یافقدان حضور یکی از والدین در زندگی که منجر به عدم همانندسازی صحیح با همجنس می‌شود، از علل مهمی است که موجب خواهد شد، کودک هویت جنسی و نقش جنسی متناسب با جنسیتش را فرا نگیرد و مبتلا به اختلال شود.

درمان ترانس سکسوالیسم

اگرچه ترانس سکسوالیسم یک اختلال روانشناختی در فردی است که بدن طبیعی دارد، ولی بیشتر بیمارانی که بدنال درمان هستند، به دنبال تغییر بدن خود می‌باشند نه تغییر فکر و ذهن خود. گرچه تغییر فکر و ذهن افراد مبتلا به اختلال منطقی‌تر است، اما معمولاً پاسخگو نیست، به-دلیل اینکه اولاً: یک فرد ترانس سکسوال برای تغییر بدن خود مراجعه می‌کند و هرگز به فکر تغییر ذهن خود نمی‌باشد، ثانیاً: معمولاً این افراد در سنی مراجعه می‌کنند که دارای ارزش‌های ثابتی هستند که تغییر آن ارزش‌ها امکان ندارد و یا اینکه به سختی قابل تغییر می‌باشند. به همین دلیل در روش‌های درمان بزرگسالان مبتلا به ترانس سکسوالیسم، بدن فرد بیمار را تغییر می‌دهند، نه فکر و ذهن وی را. (رئسی و ناصحی، اختلال هویت جنسی، ۱۱۶) بنابراین روش‌های درمان فرد ترانس سکسوال عبارت است از روان‌درمانی، هورمون‌درمانی و در نهایت عمل جراحی تغییر جنسیت.

در بین روش‌های درمانی، معمولاً روان‌درمانی و هورمون‌درمانی جوابگو نیست و باعث درمان



ترانس سکسوالیسم نمی‌شود، گرچه اخیراً چهار نفر از مبتلایان به اختلال هویت جنسی از طریق هورمون‌درمانی، درمان شده‌اند. (ظهیرالدین و دیگران، روان‌درمانی موفقیت‌آمیز، ۳۷) ولی معمولاً روش‌های غیر جراحی به ندرت موفقیت‌آمیز می‌باشد، به همین دلیل در بین روش‌های درمان، عمل جراحی تغییر جنسیت - که موجب درمان می‌گردد - پرطرفدار است. اما از آنجائیکه عمل جراحی تغییر جنسیت برگشت‌ناپذیر است، باید شرایطی در فرد متقاضی وجود داشته باشد تا پزشک بتواند عمل را انجام دهد، در غیر این صورت یعنی بدون رعایت شرایط، ممکن است فرد ترانس سکسوال به خواسته خود نرسیده و خواهان برگشت به جنس اولیه خود شود. از آنجائی که این برگشت امکان ندارد، فرد دچار افسردگی می‌شود. (اسکندری تریقان، همجنس‌گرایی، ۵۸)

مبانی فقهی تغییر جنسیت

در ارتباط با تغییر جنسیت سؤال مهمی که مشغله ذهن ترانس سکسوال‌ها و خانواده‌ها است، این است که آیا عمل تغییر جنسیت در دین مقدس اسلام عملی جایز است یا حرام؟ فقها نظرات متفاوتی ابراز کرده‌اند. عده‌ای از فقها تغییر جنسیت را تنها در افراد خنثی^۱ مجاز می‌دانند (خوئی، استفتائات، ۳۸۶؛ نوری، مجموعه استفتائات، ۲، ۲۸۷)، درحالی‌که اکثر فقهای شیعه تغییر جنسیت افراد ترانس سکسوال را جایز می‌دانند. (خمینی، تحریر الوسیله، ۲، ۶۲۶؛ منتظری، رساله استفتائات، ۲، ۴۰۸؛ خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتائات، ۷۰) و تعداد کمی از فقهای شیعه به طور کلی تغییر جنسیت این افراد را حرام می‌دانند. (مدنی، المسائل المستحدثة، ۱، ۴۷؛ اراکی، استفتائات، ۲۸۴؛ شیرازی، المسائل الطیبه، ۱۲۴) بنابراین در مورد جواز یا حرمت تغییر جنسیت سه نظر وجود دارد: ممنوعیت مطلق، مشروعیت مطلق و مشروعیت مشروط.

ممنوعیت مطلق

تمام فقها و حقوقدانان اهل سنت و تعداد کمی از فقهای شیعه تغییر جنسیت ترانس سکسوال‌ها

۱- خنثی کسی است که هر دو آلت تناسلی را دارد و صورتی دیگر هم فرض می‌شود و آن کسی است که فاقد هر دو آلت تناسلی است. فقهای شیعه مثل شهید اول و شهید ثانی آن را در بحث فرد خنثی (وارث) مطرح ساخته‌اند «خنثی کسی است که دارای آلت تناسلی مردان و زنان است و کسی که نه آلت مردی دارد و نه زنی، به قرعه به او ارث می‌دهند» (مکی‌العاملی، اللمعه الدمشقه، ۲، ۲۳۱) «در زبان فقه منظور از ممسوح، شخصی است که نه آلت مردانه داشته باشد و نه آلت زنانه». (بی‌آزار شیرازی، رساله نوین، ۳، ۲۷۷)

را امری نامشروع دانسته و قائل به حرمت تغییر جنسیت می‌باشند. یکی از مهمترین دلایل مخالفان در این خصوص آن است که تغییر جنسیت باعث تغییر در خلق‌الله است. به همین دلیل تغییر جنسیت را حرام می‌دانند. برای مثال یکی از حقوق‌دانان اهل سنت درباره حرمت تغییر جنسیت چنین می‌گوید: «در برخی از جوامع که از فطرت الهی منحرف گشته‌اند، اشخاص سالم تغییر جنسیت می‌دهند که این کار قطعاً حرام است، چون این کار اولاً: باعث تغییر خلق‌الله است، در حالیکه هیچ‌گونه ضرورت شرعی برای آن وجود ندارد، ثانیاً: این کار در واقع پاسخ مثبت به دعوت شیطان است که وعده داده از طریق این‌گونه کارهای حرام انسان را منحرف می‌سازد. شیطان گفت: به تحقیق به بنی آدم دستور خواهم داد، پس آنان خلق الهی را تغییر خواهند داد.» (محمدکنعانی، الموسوعه الطبیه الفقهیه، ۲۸۴-۲۸۵) همچنین یکی از مفتی‌های معروف اهل سنت و از مخالفین سرسخت تغییر جنسیت در این رابطه می‌گوید: «تغییر ظاهری و باطنی مرد به زن و بالعکس تغییر در خلقت خداوند است. تغییر در خلقت خداوند یعنی میمون به غزال تبدیل شود و یا انسان به میمون تبدیل شود و این همان قول شیطان است و تغییر در خلق‌الله از مصادیق کارهای شیطانی است.» (قرضاوی، الحلال والحرام فی الاسلام، ۱۵۵) در نهایت این که مجمع فقهی اسلامی مستقر در مکه مکرمه در فتوایی که درباره تغییر جنسیت در تاریخ ۱۳ رجب ۱۴۰۹ (۱۹ فوریه ۱۹۸۹م) صادر کرد چنین گفت: «آلت تناسلی مردانه و زنانه که خلقت آن کامل و بدون نقص است، جایز نیست یکی به دیگری تبدیل شود و هرکس این کار را انجام دهد، مرتکب حرام شده و مستحق مجازات می‌باشد؛ چون این کار تغییر در خلق خدا است و خداوند سبحان این کار را حرام نموده است و در قرآن کریم از قول شیطان می‌گوید: به تحقیق به انسان‌ها دستور می‌دهم، پس خلق خدا را تغییر می‌دهند.» (الجیزانی، فقه النوازل، ۴، ۹۶-۹۷) همچنین علاوه بر فقه‌های اهل سنت گروهی از فقه‌های شیعه نیز تغییر جنسیت را به دلیل تغییر در خلق‌الله و حرام می‌دانند، مانند عبدالکریم بی‌آزار شیرازی که در این زمینه می‌گوید: «این که تغییر ماهیت بدهند کسی که ماهیت و حقیقتش مرد است یا کسی که ماهیتش زن است بخواهند مردش کنند، این از نظر شرعی جایز نیست ولیغیرن خلق‌الله می‌شود.» (فتاحی، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه اسلام در پزشکی، ۲، ۸۰)



همچنین آیت‌الله شیخ هادی نجفی و آیت‌الله میرزا جواد تبریزی نیز تغییرجنسیت را مشمول آیه «فلیغیرن خلق‌الله» می‌دانند و معتقدند که تغییر جنسیت شرعاً حرام است.

حال پس از بیان نظرات فقهای شیعه و سنی که تغییرجنسیت را بدلیل تغییر درخلق‌الله حرام می‌دانند به بررسی ادله مخالفین می‌پردازیم.

همانگونه که بیان شد از مهمترین دلایلی که مخالفان برای حرمت تغییرجنسیت بیان نمودند این است که تغییرجنسیت باعث تغییر خلق‌الله است و این تغییر به استناد آیه ۱۱۹ سوره نسا از کارهای شیطانی است.^۱ در پاسخ به مخالفان باید گفته شود این آیه که مخالفان به عنوان دلیلی بر حرمت تغییرجنسیت به آن استناد می‌کنند درست نیست، زیرا در آن زمان اعراب براساس اعتقاد خرافی که داشتند، شترهایی را که پنج بار بچه بدنیا می‌آوردند، گوششان را سوراخ می‌کردند و دیگر بر آن سوار نمی‌شدند و گوشت آن را ذبح نمی‌کردند و در واقع حلال خدا را بر خود حرام می‌کردند. این آیه شریفه ناظر بر این مطلب است که برخی اشیاء به‌منظور خاص و امور ویژه‌ای ساخته شده‌اند و هرگاه از مسیر اصلی منحرف شوند تغییر در خلقت الهی است. بنابراین وقتی خداوند حیوانی را حلال کرده تا از گوشت آن استفاده شود یا از خود حیوان برای باربری و سواری استفاده شود، نمی‌توان حلال خدا را حرام دانست؛ زیرا این نوعی بدعت در دین است که خداوند متعال در این آیه آنها را از این کار منع کرده است و هر نوع تغییر و تبدیلی که به منظور تشریح و بدعت‌گذاری در دین و شریعت باشد حرام و مذموم است. (قائمی، المبسوط فی المسائل الطبیعه، ۲۲۰)

علاوه بر این «آیه ۱۱۹ اطلاق دارد و شامل تمام آفریده‌ها می‌شود درحالی‌که شکی نیست که تغییر دادن جمادات و نباتات و یا حیوانات که از آفریده‌های خدایند جایز است و منظور از تغییر در خلق خدا، عبارت است از پدیدآوردن آنچه که انسان را از فطرت نخستین خارج می‌سازد» (رحمانی، معرفی تفصیلی کلمات سدیدة، ۲۹۱)، درحالی‌که باتغییرجنسیت، انسانیت انسان تغییر نمی‌کند و نهایت چیزی که اتفاق می‌افتد تغییر درصفت است و هیچگاه انسان به جماد یا حیوان تبدیل نمی‌شود، بلکه انسان همان انسان باقی می‌ماند، منتها دراین عنوان جدید، تکالیف و وظایف

۱- آنها را گمراه می‌کنم یا آرزوهای دور و دراز و رنگارنگ آنها را سرگرم می‌کنم. آنها را به اعمال خرافی دعوت می‌کنم از جمله این که فرمان می‌دهم که گوش‌های چهارپایان را بشکافند و یا قطع کنند. آنها را وادار می‌سازم که آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند.

وصفی اش تغییر می‌یابد. (موسوی بجنوردی، بررسی فقهی حقوقی تغییر جنسیت، ۲۳).

بنابراین به نظر نگارندگان، منظور آیه ۱۱۹ سوره نسا تغییر در دین خداست و هرگونه تغییری که نوعی بدعت در دین باشد، تحریم شده است. همان‌گونه که مفسرین شیعه در تفسیر این آیه «فلیغیرن خلق الله» را تغییر دین خدا و تغییر امر خدا و آن را از کارهای شیطانی دانسته- اند (طبرسی، مجمع البیان، ۳، ۱۸۸؛ طوسی، تفسیر التبیان، ۳، ۳۳۳)، درحالی‌که تغییر جنسیت تغییر در دین خدا نیست؛ زیرا که اگر بنا باشد تغییر جنسیت به دلیل تغییر در دین و خلق خدا حرام باشد، پس لازم می‌شود که در زندگی دست به هیچ کاری نزنیم و همه پدیده‌های طبیعت را به حال خود رها کنیم درحالی‌که هر روزه تغییر و تبدیل‌های زیادی در جمادات و نباتات و حیوانات صورت می‌گیرد که همگی این تغییر و تبدیل‌ها جایز است و در مورد انسان نیز با توجه به اینکه با تغییر جنسیت، اوصاف عرضی انسان نه اوصاف ذاتی تغییر می‌کند و به استناد تغییر این اوصاف عرضی نمی‌توان گفت که انسانیت انسان تغییر کرده است، بلکه وصف و ظاهر انسان تغییر می‌کند و این تغییر وصف و ظاهر، انسان را از فطرت نخستین خارج نمی‌کند؛ زیرا که هویت و فطرت انسان به نفس ناطقه است و مرد یا زن بودن از عوارض بدن است و هیچ‌گونه ارتباطی به نفس ناطقه ندارد. در نتیجه تغییر جنسیت، تغییر در خلق الله و نامشروع و حرام نمی‌باشد.

البته مخالفان غیر از این که تغییر جنسیت را تغییر در خلق الله دانسته و با آن مخالفت می‌کنند، به دلایل دیگری نیز استناد کرده‌اند. مانند این که: «لازمه تغییر جنسیت این است که اعضای را از مرد یا زن، از بین ببرند و اعضای دیگری را جایگزین آن کنند و این عمل شرعاً جایز نیست. به عبارت دیگر از بین بردن اعضای اصلی و یا ایجاد نقص در آن مشروع نمی‌باشد». (مدنی تبریزی، المسائل المستحدثة، ۱، ۴۵) در پاسخ به این ایراد مخالفان گفته می‌شود که زیان به نفس، حرام و بازداشتن زیان از نفس واجب است و لکن منظور از بازداشتن زیان از نفس، همان حکم عقل بر بایستگی دوری از ضرر و روایاتی است که در این زمینه وارد می‌باشد ولی مورد حکم عقل، جایی است که ضرر از نظر عقلاً با اهمیت نباشد و در تحمل آن ضرر، غرض عقلانی پسند نباشد. پس جلوگیری از هر ضرری، لازم نیست. (رحمانی، معرفی تفصیلی کلمات سدیده، ۲۸۲)

بنابراین به اعتقاد نگارندگان تغییر جنسیت در فردی که سالم است و هیچ مشکلی جسمی یا



روحي ندارد، بدليل اين كه اعضايي از بدن فرد برداشته مي شود تا اعضاي مصنوعي جنسيت مخالف در جاي آن قرار گيرد، براي فرد سالم نوعي نقص و ضرر به بدن است كه در تحمل اين ضرر هيچ نفع و فايده عقلايي وجود ندارد و علاوه بر تحميل هزينه هاي زياد و مشكلات روحي و رواني بسيار براي فرد، بدليل اين كه با ملازمات حرام نيز همراه مي باشد، حرمت شرعي دارد. اما تغيير جنسيت براي فردي كه مشكل روحي يا جسمي دارد و ناچار به برداشتن عضوي از اعضاي بدن خويش مي گردد، جايز است؛ زيرا كه قاعده مجاز بودن ممنوعات در موارد اضطراري در اين مورد حاكم مي شود و با اين توجيه كه فرد در حالت ضرورت قرارداد و ناچار به برداشتن عضوي از اعضاي بدن خويش مي باشد، در اين صورت تغيير جنسيت و برداشتن عضوي از اعضاي بدن، نه تنها براي فرد بيمار نقص و ضرر محسوب نمي شود، بلكه براي وي لازم نيز مي باشد. حتي بعضي از فقها تغيير جنسيت را براي فرد بيماري كه در حالت اضطرار قرار دارد، واجب مي دانند. (منتظري، رساله استفتائات، ۲، ۴۰۸)

از دلايل ديگر مخالفان اين است كه تغيير جنسيت باعث تشبه مرد به زن يا زن به مرد مي شود كه در دين اسلام اين كار نهی شده است و رواياتي در اين زمينه وجود دارد كه پيامبر اسلام (ص) افرادی را كه خود را شبیه جنس مخالف در می آوردند را مورد لعن قرار داده و حتی آن افراد را از شهر تبعید کرده بودند. مخالفان نیز با استفاده از این روایات و قیاس اولویت، این گونه استدلال می کنند كه: این كلام پيامبر اسلام در مورد شباهت ظاهري است كه پيامبر (ص) تغيير ظاهري و تشبه زن به مرد و بالعكس را حرام نمود. پس زماني كه تغيير خارجي و شباهت واقعي مرد به زن و برعكس صورت مي پذيرد، به طريق اولي، اين تغيير حرام مي باشد. در پاسخ گفته مي شود، اين كه تغيير جنسيت نوعي تشبه مرد به زن يا بالعكس مي باشد، سخني ناصواب است؛ «چون تشبه مرد به زن يا بالعكس به معنای شباهت داشتن در نحوه زندگي، لباس پوشيدن يا تشبه در رابطه جنسي باحفظ اصل جنسيت است. اما تغيير جنسيت، يك نوع تغيير كلي و ماهوي است به گونه اي كه موضوع عوض مي شود در اين حالت اصلاً صدق تشبه نمي كند». (منتظري، دراسات في المكاسب الحرام، ۵۱۷، ۲) به عبارت ديگر در تشبه موضوع (جنسيت) عوض نمي شود؛ درحاليكه در تغيير جنسيت، موضوع يعني جنسيت فرد به كلي تغيير مي يابد به همين دليل تغيير جنسيت با



تشبه تفاوت دارد.

از دلایل مخالفان در مخالفت با تغییر جنسیت این است که: ممکن است گفته شود که تغییر جنسیت بدلیل اینکه با نگاه به شرمگاه و لمس عورت نامحرم همراه است، حرام می‌باشد. بنابراین برای دوری از این حرام باید از تغییر جنسیت پرهیز شود. در پاسخ به این ایراد مخالفان گفته می‌شود، که در بحث مشروعیت یا ممنوعیت، باید به خود موضوع توجه کرد، یعنی باید دید که موضوع تغییر جنسیت به‌طور کلی و فی‌نفسه عملی حرام است یا جایز، نه اینکه به ملزومات و امور جانبی آن توجه شود؛ زیرا که لمس عورت نامحرم و نگاه به شرمگاه از ملزومات آن می‌باشد. علاوه بر این فقها معتقدند که تغییر جنسیت بدون ملزومات حرام فی‌نفسه جایز است و منع شرعی ندارد ولی اگر همراه با ملزومات حرام باشد، جایز نیست. (مومن، سخنی درباره تغییر جنسیت، ۹۶؛ منتظری، رساله استفتائات، ۲، ۴۰۸) در نتیجه اگر فرد سالمی که مشکل روحی و جسمی ندارد، بخواهد تغییر جنسیت دهد، در شرایط عادی به دلیل این که این عمل همراه با ملزومات حرام است، جایز نمی‌باشد ولی در مورد شخصی که بیماری جسمی و یا روحی دارد، با توجه به اینکه درمان شخص بیمار مترتب بر لمس عورت و نگاه به شرمگاه است، ضرورت درمان و معالجه این حرمت را بر می‌دارد.

مشروعیت مطلق

در بین فقهای متأخر برخلاف بسیاری از فقها که عمدتاً یا این عمل را ممنوع نموده و یا مشروط به شرایطی نموده‌اند. امام خمینی در نهایت صراحت و بدون هیچ‌گونه قیدی قائل به عدم حرمت تغییر جنسیت است. ایشان چنین فرموده‌اند: «ظاهر آن است که تغییر جنس مرد به زن به سبب عمل و برعکس آن حرام نیست». (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۲، ۶۲۶) با این اطلاق فرمایش امام می‌توان مشروعیت مطلق تغییر جنسیت را استنباط کرد. از جمله دلایلی که برای مشروعیت تغییر جنسیت بیان نموده‌اند عبارت است از این که اساساً بر حرمت تغییر جنسیت دلیلی وجود ندارد، بعضی از فقها در این زمینه می‌گویند: «ظاهر آن است که فی‌نفسه، دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد». (منتظری، دراسات فی المکاسب الحرام، ۲، ۵۱۷؛ فاضل لنکرانی، استفتائات؛



خرازی، تغییرالجنسیه، ۲۴۱) بنابراین باتوجه به اینکه دلیلی در لسان شارع بر حرمت و یا عدم حرمت تغییرجنسیت وجود ندارد، می‌توان با جریان اصول عملیه مثل اصل برائت تغییر جنسیت را مجاز شمرد. علاوه براین، یکی دیگر از دلایلی که برای مشروعیت تغییرجنسیت به آن استناد گردید، اصل اباحه است. معنای اصل اباحه این است که هر چیزی که بین حلال و حرام مشتبه باشد، بر حلال حمل می‌شود. پس در موارد شک بین حرمت و حلیت از این قاعده استفاده می‌گردد که در بین فقها تمسک به این قاعده معروف است. (کریمی‌نیا، تغییرجنسیت از منظر فقه و حقوق، ۲۰۵) بنابراین اصل بر جواز تصرفات است، مگر اینکه دلیلی بر ممنوعیت وجود داشته باشد. درحالی‌که در شرع مقدس دلیلی بر حرمت تغییرجنسیت وجود ندارد. پس چنین عملی ظاهراً مشروع است. (خرازی، تغییرالجنسیه، ۲۴۱)

در نتیجه به نظر می‌رسد تعداد زیادی از فقها قائل به عدم حرمت یا جواز تغییرجنسیت می‌باشند؛ زیرا که معتقدند دلیلی از کتاب و سنت مبنی بر حرمت تغییرجنسیت وجود ندارد و اصل عمل تغییرجنسیت فی نفسه منع و حرمت شرعی ندارد. پس اصل بر جواز عمل است. اما بدلیل این که این عمل با ملازمات حرام مثل نگاه به شرمگاه و لمس عورت نامحرم همراه است، جایز نمی‌باشد و انجام دادن این عمل از راه مشروع، مشروط به این است که این عمل با ملازمات حرام مانند نظر به عورت نامحرم و لمس آن همراه نباشد و چنانچه از این مقدمات حرام پرهیز شود، فی نفسه تغییرجنسیت حرمت شرعی ندارد. اما اگر شخصی بیماری جسمی یا روحی داشته باشد و درحالت اضطراب قرار گرفته باشد، این حالت اضطراب، حرام‌های جانبی مانند نظر به عورت نامحرم و لمس آن را توجیه می‌کند و ضرورت درمان و معالجه حرمت نظر و لمس عورت نامحرم را از بین می‌برد. در نتیجه «تغییرجنسیت ذاتاً خلاف شرع نیست ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود. یعنی نظر به عورت و لمس آن لازم نیاید، مگر این که به حد ضرورت همچون ضرورت معالجه به طبیب رسیده باشد که در این صورت جایز است». (مکارم شیرازی، رساله استفتائات، ۱، ۴۷۰) به همین دلیل

۱- «آیا کسی که جنسیتش محرز است، به هر دلیلی می‌تواند جنسیت خود را تغییر دهد؟ اگر مستلزم حرام شرعی نباشد دلیلی بر حرمت نداریم. (منتظری، رساله استفتائات، ۲، ۴۰۸) «آیا تغییرجنسیت جایز است و شخص می‌تواند بدون اجازه دادگاه در داخل یا خارج از کشور اقدام به این عمل نماید؟ از لحاظ شرعی مانعی ندارد و نیاز به اجازه هم نیست و به فرض اینکه قانون این اجازه را لازم بداند اگر کسی بدون اجازه تغییرجنسیت دهد آثار جنس جدید بر او مترتب می‌شود» (فاضل لنکرانی، سؤالاتی پیرامون تغییرجنسیت از سایت ایشان)

است که اکثر فقهای این گروه به نظریه مشروعیت مشروط می‌پیوندند.

مشروعیت مشروط

در مورد جواز یا ممنوعیت عمل تغییر جنسیت، نظر دیگری مبنی بر مشروعیت مشروط تغییر جنسیت ابراز شده است. مطابق این نظر، براساس ماده ۲۱۵ قانون مدنی، مشروعیت هر عملی منوط به وجود منفعت مشروع عقلایی است؛ پس تغییر جنسیت در صورتی مشروع است که فرد مبتلا، مشکل داشته باشد و پزشک عمل تغییر جنسیت را برای رفع مشکل وی ضروری تشخیص دهد. همانگونه که در نظام‌های حقوقی کشورهایایی که تغییر جنسیت را مجاز اعلام کرده‌اند، انجام آن را منوط به وجود شرایطی نموده‌اند تا افراد سالم نتوانند از این اجازه برای رسیدن به مقاصد نامشروع خود استفاده کنند؛ زیرا که این اجازه برای افراد مبتلا به مشکل جسمی و روحی می‌باشد، نه برای افراد سالم. بنابراین در تغییر جنسیت مشروطیت عمل منوط به این است که شخص دچار مشکل و ناراحتی باشد و کسانی هم که به عمل جراحی تغییر جنسیت اقدام می‌نمایند، در بیشتر موارد گرفتار اختلالات هویت جنسی و ناراحتی روانی و افسردگی شدید هستند، به همین دلیل مشروعیت تغییر جنسیت منوط به شرایطی در متقاضی است. یعنی از لحاظ علم پزشکی لازم است که این شرایط وجود داشته باشد تا پزشک متخصص بتواند به معالجه متقاضی بپردازد و او را مورد معالجه قرار دهد همچنین علاوه بر حقوقدانان، جامعه پزشکی نیز از طرفداران این نظر می‌باشد؛ یعنی اینکه در مواردی که تمایز جنس فرد طبیعی بوده ولی با هویت او از نظر هورمونی یا روانی مغایر باشد، تغییر جنسیت فرد به آنچه خود او بدان مایل است یا متخصصان و روانشناسان تشخیص می‌دهند، بدون اشکال است. (موسوی بجنوردی، بررسی فقهی حقوقی تغییر جنسیت، ۲۶)

در نهایت به اعتقاد نگارندگان تغییر جنسیت فی نفسه عمل جایزی است که دلیلی بر منع و حرمت آن در کتاب و سنت وجود ندارد، اما از آنجائی که این عمل با ملازمات حرام مانند نگاه به شرمگاه و لمس عورت نامحرم همراه است، ممنوع و در مورد افراد سالم حرام می‌باشد، مگر این که فرد سالم هورمون بخورد و از طریق تزریق هورمون جنسیت وی عوض شود که در این صورت چون که تغییر جنسیت وی با ملازمات حرام همراه نبوده، حرام نمی‌باشد. اما در غیر این صورت بدلیل



این که تغییرجنسیت فرد سالم با ملازمات حرام همراه می‌باشد، حرمت شرعی دارد. اما اگر فردی، بیماری جسمی یا روحی داشته باشد و عمل تغییرجنسیت به منظور معالجه وی باشد، هر چند با ملازمات حرام، همراه باشد، باعث حرمت عمل نمی‌شود؛ بدلیل این که تغییرجنسیت برای درمان و معالجه شخص بیمار تجویز می‌شود و در شخص بیمار ضرورت معالجه ایجاب می‌کند که چنین عملی انجام گیرد هر چند با ملازمات حرام همراه باشد، ضرورت معالجه باعث رفع حرمت می‌شود.^۱

نتیجه گیری

ترانس سکسوالیسم یک نوع بیماری است که در طبقه‌بندی اختلالات روانی گنجانده شده است به طوری که در این بیماری، فرد جنسیتی را که در آن قرار دارد را نمی‌پذیرد و خود را متعلق به گروه جنس مقابل می‌داند درحالی که از لحاظ جنسی کاملاً سالم است و هیچ مشکل جنسی ندارد. در مورد علت به وجود آمدن این اختلال نظریه‌های مختلفی بیان شده است ولی آنچه که به نظر می‌رسد در شکل‌گیری این اختلال نقش مهمی دارد، خانواده است. به طوری که برخوردی درست و متناسب با جنسیت کودک توسط والدین و همانندسازی صحیح با همجنس می‌تواند تا حدود زیادی از به وجود آمدن این اختلال جلوگیری کند.

یکی از مسائل مهم در تغییرجنسیت ترانس سکسوال‌ها، مسأله جواز یا حرمت تغییرجنسیت است. به طوری که تمام فقها و حقوقدانان اهل سنت و تعداد کمی از فقهای شیعه، تغییر جنسیت افراد ترانس سکسوال را بدلیل تغییر در خلق‌الله حرام و از مصادیق کارهای شیطانی می‌دانند و عمده دلیل مخالفان در مخالفت با تغییرجنسیت، نیز همین تغییر در خلق‌الله است. درحالی که فقهای شیعه مانند آیت‌الله موسوی بجنوردی و مفسرین شیعه مانند شیخ طبرسی و شیخ طوسی منظور آیه ۱۱۹ سوره نساء را هرگونه بدعت و تغییر در دین خدا بیان کردند؛ زیرا که تغییر در

^۱ - آیت‌الله حسین علی منتظری: «به طور کلی دلیلی بر حرمت تغییرجنسیت نداریم و اگر حال آنها به نحوی باشد که تغییرجنسیت برای آنها ضرورت داشته باشد بعید نیست که واجب باشد. (منتظری، رساله استفتائات، ۲، ۴۰۸) آیت‌الله سیدعلی سیستانی: «منقلب کردن زن به مرد و بالعکس بفرض امکان ندارد البته اگر مستلزم کارحرامی نباشد و بفرض تحقق، احکام جنسی جدید را دارد» (www.sistani.org)

جمادات و حیوانات منعی ندارد و جایز است و تغییر جنسیت انسان نیز، تغییر در ظاهر و وصف انسان است نه تغییر در فطرت و ماهیت انسان، به همین دلیل تغییر جنسیت انسان تغییر در خلق الله نمی-باشد. با این حال نظر کلی بر این است که دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت در کتاب و سنت وجود ندارد در نتیجه تغییر جنسیت به طور مطلق و بدون هیچ قیدی جایز است و منع شرعی ندارد. اما نظر دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه اصل عمل تغییر جنسیت فی نفسه منع شرعی ندارد اما به دلیل اینکه با ملزومات حرام همراه است جایز نمی‌باشد، مگر این که فرد بیمار در حالت اضطرار قرار گرفته باشد، تا این حالت اضطرار، ممنوعات را مباح کند. بر همین اساس مشروعیت تغییر جنسیت مشروط به وجود شرایطی است که باید در فرد متقاضی وجود داشته باشد تا پزشک متخصص بتواند او را موضوع معالجه تغییر جنسیت قرار دهد و از لحاظ علم حقوق نیز تغییر جنسیت مشروط به وجود شرایطی در متقاضی است تا مورد حمایت قانونی قرار گیرد، به همین دلیل اکثر فقها قائل به این نظر می‌باشند.

فهرست منابع

- ۱- اسکندری تریقان، محمدرضا، همجنس گرایی، ابهام جنسی یا ...؟، اندیشه جامعه، شماره ۳۰
- ۲- اراکی، محمد علی، استفتائات، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۳.
- ۳- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، جلد ۳، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵، چاپ ۲.
- ۴- الجیزانی، محمد بن حسین، فقه النوازل، جلد ۴، ۲۰۰۸ م، چاپ ۲.
- ۵- خرازی، سید محسن، تغییر الجنسیه، فقه اهل بیت، عربی، شماره ۱۳، سال ۴
- ۶- خامنه ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتائات، نشر الهدی، تهران، ۱۳۸۰
- ۷- خوئی، سید ابوالقاسم، استفتائات (پرسش و پاسخ)، مؤسسه احیاء آثار امام خوئی، قم، ۱۳۸۱.
- ۸- رئیس، فیروزه و ناصحی، عباسعلی، اختلال هویت جنسی، انتشارات صدا، بهار ۱۳۸۳، چاپ ۱.
- ۹- رحمانی، محمد، معرفی تفصیلی کلمات سدیدیه، فقه اهل بیت، فارسی، سال ۲، ش ۷
- ۱۰- طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان، جلد ۳، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۸۸ م.
- ۱۱- طیرانی، اعظم، اختلال هویت جنسی از دیدگاه صاحب نظران، روزنامه قدس ۱۳۸۶/۶/۳.



- ۱۲- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، **النبیان فی تفسیر القرآن**، جلد ۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ۱۳- ظهیرالدین، علیرضا و دیگران، **روان درمانی موفقیت آمیز چهارمورد اختلال هویت جنسی**، مجله علمی پزشکی قانونی، سال ۱۱، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۴.
- ۱۴- فتاحی، سیدحسین، **مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه اسلام در پزشکی**، جلد ۲، ۱۳۸۰.
- ۱۵- قائنی، محمد، **المبسوط فی المسائل الطبیعه**، مرکز فقه الاثمه الاطهار، قم، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۶- قرضاوی، یوسف، **الحلال و الحرام فی الاسلام**، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۷- کریمی نیا، محمد مهدی، **تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق**، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، ۱۳۸۹، چاپ ۱.
- ۱۸- محمد کنعانی، احمد، **الموسوعه الطبیبه الفقهیه**، دارالنفاس، بیروت، ۱۴۰۲ ق.
- ۱۹- مدنی تبریزی، سید یوسف، **المسائل المستحدثه**، جلد ۱، انتشارات مشرقین، قم، بی تا، چاپ ۶.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، **مجموعه رساله استفتائات**، جلد ۱، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم، ۱۳۷۹.
- ۲۱- مکی العاملی، محمد بن جمال الدین، **اللمعه دمشقیه**، جلد ۲، انتشارات دارالفکر، قم، بی تا.
- ۲۲- منتظری، حسین علی، **دراسات فی المکاسب الحرام**، جلد ۲، مکتبه منتظری، قم، بی تا.
- ۲۳- منتظری، حسین علی، **رساله استفتائات**، جلد ۲، انتشارات سایه، قم، ۱۳۸۱.
- ۲۴- موسوی بجنوردی، سید محمد، **بررسی فقهی حقوقی تغییر جنسیت بارویکردی برنظر امام خمینی**، ش ۳۶، ۱۳۸۶.
- ۲۵- موسوی خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیله**، جلد ۲، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸.
- ۲۶- مومن، محمد، **سخنی درباره تغییر جنسیت**، فقه اهل بیت، فارسی، سال ۲، ش ۷، ۱۳۷۵.
- ۲۷- مهربانی، فریدون، **بررسی برخی از ویژگی های تبدل خواهی جنسی در بیماران ایرانی**، فصلنامه اندیشه و رفتار، شماره ۳، سال ۲، زمستان ۱۳۷۴.
- ۲۸- نوری همدانی، حسین، **مجموعه استفتائات**، انتشارات مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳، چاپ ۲.
- ۲۹- یوشی زاده، مریم، **سرگردان روی مرز جنسیت**، روزنامه جام جم، ۱۳۸۷/۳/۲۳.